

مبانی دکترین فقهی و حقوقی عدالت در اسلام

رضا فراشی سارد

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد کرمان

چکیده

عدالت در زمره مهم ترین و تاثیر گذار ترین واژه در نظام فقهی و حقوقی اسلام قرار دارد. عدالت از تمایلات درونی انسان از ادم تا زمان حاضر و مابعد آن است. ارتباط وثیق و ناگسستنی اندیشه عدالت با سطح مطلوب و ایده آل زندگی بشر آن را تبدیل به ابزاری ارزشمند نموده که بشر همواره درصدد شناخت ابعاد و زوایای آن بوده و می کوشد تا اصول حاکم بر آن را شناخته، بهبود و ارتقا بخشد. همین عامل موجب شده تا در نظام های حقوقی تفاسیر متنوعی از عدالت گردد که این نگاه روشن را اشکار می سازد. اسلام ضمن تاکید بر عدالت محوری و بررسی آن از زوایای مختلف دستوراتی را در این زمینه ارائه نموده است به نوعی که یکی از اصول مترقی در دین اسلام قرار گرفته است. از منظر اسلام عدالت در عرصه های گوناگون زندگی انسان نقش اساسی دارد، ازای نرو فقهای امامیه به شناخت مفهوم عدالت و شفاف سازی تعریف آن همت گماشته و البته فراوان به نقض و ابرام آن پرداخته اند. این پژوهش ضمن بررسی مطالعات کتابخانه ای و بهره گیری از قران و روایات و نظریه اندیشمندان بزرگ اسلامی به این نتیجه رسیده است که اولاً عدالت با آگاهی و عقلانیت ملازم است و کسی می تواند عدالت را در جامعه بشری اجرا کند که اولاً همه نیازهای انسان و پاسخ های مطلوب به آنها آگاه باشد. ثانیاً اسلام عدالت را نسبی ندانسته بلکه آن را مطلق انگاشته است زیرا نسبت عدالت با اساس خاتمیت بستگی دارد.

واژگان کلیدی: عدالت، اسلام، اصول حقوقی، دکترین، عدل

اندیشه عدالت از نخستین روزهای پیدایش حیات تا هنگام جاودانگی جز جدایی ناپذیر زندگی بشر را به خود اختصاص داده است. از این رو اندیشه عدالت را باید مقوله ای فرا زمانی و فرامکانی دانست. عدالت را مفهومی ساده انگاشتن تصویری است ساده انگارانه که خطرناک و رهنزن است. مطالعه تاریخ اندیشه های حاکم بر عدالت به خوبی بیانگر دو رویکرد عمده در خصوص عدالت و اصول حاکم بر آن بوده است. در نخستین و کهن ترین رویکرد به عدالت، عدالت به مثابه ابزاری اخلاقی است و در دومین رویکرد که در سده های اخیر به ویژه در غرب پدید آمد، عدالت به مثابه ابزاری در جهت افزایش لذت طلبی محسوب می شود (جانستون، ۱۳۹۴: ۵). در گرایش اخلاق مدارانه به عدالت، عدالت پدیده ای اخلاقی است که برخاسته از تعهد اخلاقی بوده و مولفه های اخلاقی را در درون خویش می پرورد. به عقیده ما گرایش اخلاق به عدالت اگر چه گرفتار افت و خیزهایی بوده است اما هیچ گاه بطور کامل از بین نرفته و بطور مستمر به حیات خود ادامه داده است، به گونه ای که در وهله ای از تاریخ، بعد اخلاقی عدالت شدت بیشتری داشته و در وهله دیگر بیشتر به دنبال حل مسئله حقوقی تنازع ناشی از آن بوده است. با وجود این در حقوق اسلام عدالت به جنبه اخلاق غلبه داشته است. در حقوق اسلام برقراری عدالت صرفا برای حل یک مسئله حقوقی نبوده بلکه علاوه بر آن دمیدن روح اخلاق والای انسانی نیز بوده است. برخلاف حقوق غرب که معتقدند انصاف برای تعدیل چهره خشن عدالت آمده است در حقوق اسلام انصاف جزئی از عدالت است تا امری بیرون از آن و وسیله ای صرفا جهت تعدیل چهره خشن آن. این امر نشانگر آن است که ماهیت قواعد حقوقی اسلام عادلانه است اما عدالتی اخلاق محور که جنبه اخلاقی آن غلبه ای چشم گیر دارد و هدفش دمیدن روح اخلاق اسلامی در جامعه می باشد. در آیات بسیاری از قرآن کریم از جمله سوره نحل آیه ۹۰ و سوره حدید آیه ۲۵ از انصاف سخنی به میان نیامده است زیرا انصاف بیانگر چهره اخلاقی و تعدیل کننده عدالت است و در نگاه اسلامی جز جدایی ناپذیر مفهوم و اصول حاکم بر عدالت محسوب می شود. در نهایت در حقوق اسلام هدف اصلی و نهایی حقوق یعنی برپایی عدالت و تامین مصالح اجتماعی انسان ها، هدف متوسط و وسیله دستیابی به هدف نهایی اخلاق یعنی کسب

رضای الهی است، زیرا فلسفه قانونگذاری در حقوق اسلام هموار ساختن راه دستیابی موجود به غایت اخلاقی یعنی سعادت است (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۴۴).

بخش اول: مفهوم شناسی عدالت

بند اول: مفهوم لغوی عدالت

برخی دانشمندان عدالت را به معنای مساوات و برابری مورد تاکید قراردادده اند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۲۵). برخی آن را به معنای استقامت، یعنی راست و موزون بودن دانسته اند (خوری شرتونی، ۱۳۸۶: ۴۹۴). راغب می گوید: عدالت و معادله دارای معنای مساوات و برابری است و در مقایسه میان اشیا بکار می رود، پس عدل تقسیم نمودن بطور مساوی است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۲۵). ابن منظور گفته است: عدل هر آن چیزی است که فطرت انسان حکم به استقامت و درستی آن نماید (ابن منظور، ج ۱۱: ۱۴۱۴). فیومی می گوید: عدل میانه روی در کارها است و آن خلاف جور است (فیومی، ۱۴۰۳: ۳۹۶). چرا که ظلم و جور در واقع خروج از توازن و برابری است، پس میان این معنا و معنای پیشین مغایرتی نمی باشد. امام علی درباره معنای عدالت می فرماید: عدل امور را در جای خود می نهد ولی جود امور را از جهت اصلی خود خارج می کند (نهج البلاغه: قصار ۴۲۹). نکته شایان ذکر اینکه کلام امام علی (ع) در باب عدالت منافاتی با مساوات و برابری ندارد، زیرا مقصود از مساوات تقسیم کردن بطور مساوی نیست بلکه مقصود رعایت تناسب و اعتدال است و هرگاه آنچه که شایسته هر چیزی است به آن داده شود عدالت مراعات شده است. سخن مرحوم فیض کاشانی در باب عدالت همان چیزی است که از کلام امام علی (ع) استنتاج می شود و هماهنگ با معنای لغوی آن است. او در تفسر آیه (و وضع المیزان ایه ۷ سوره الرحمن) می گوید: خداوند عدالت را برقرار نمود بدین نحو که به هر صاحب استعدادی آنچه که استحقاق داشته عطا نموده و حق هر صاحب حقی را ادا کرد تا کار عالم بسامان شد و راست آمد (فیض کاشانی، ج ۵: ۱۰۷).

بند دوم: مفهوم عدالت در فقه اسلامی

برخی از فقهای امامیه گفته اند: عدالت در فقه معنای جداگانه ای ندارد بلکه در همان معنای لغوی بکار رفته است (محقق اردبیلی، ج ۱۲: ۳۱۲). مرحوم خوئی گفته است: برای عدالت نه حقیقت شرعیه ثابت شده است و نه حقیقت متشرعه بلکه عدالت (در شریعت) در همان معنای لغوی خود یعنی درستی و عدم جور و انحرافات بکار رفته است (موسوی خوئی، جلد اول: ۲۵۴). در مقابل برخی فقها هم چون شیخ طوسی و ابن ادریس معتقدند عدالت در شریعت معنای جداگانه ای مغایر با معنای لغوی دارد و به اصطلاح دارای حقیقت شرعیه یا متشرعه است (نجفی، ۱۴۲۹: ۴۶۵). به عنوان مثال شیخ طوسی گفته است: و اما فی الشریعه، فهو کل من كان عدلا فی دینه عدلا فی مروته عدلا فی احکامه (طوسی، جلد ۸: ۲۱۷). اگر چه میان معنای فقهی و لغوی واژه عدالت تناسب وجود دارد ولی از دقت در کلمات فقها و اهل لغت و نیز آیات و اخباری که پس از این در اصل بحث مطرح خواهد شد چنین به دست می آید که عدالت در فقه دارای مفهومی خاص مغایر با معنای لغوی آن است زیرا: نقطه مقابل عدالت در لغت جور و ظلم است ولی نقطه مقابل عدالت در فقه فسق است. مثلاً اگر حاکمی در عمل عدالت را بطور کامل مراعات نماید و ظلم نکند ولی از نظر اعتقادی فاسد باشد به او از نظر لغت عادل گفته می شود چرا که اهل لغت در مسئله عدالت برای اعتقاد نقشی قائل نیستند ولی از دیدگاه فقه بر او عادل اطلاق نمی شود.

بخش دوم: مبانی نظری عدالت در مکاتب اسلامی

در تعالیم و مکاتب اسلامی عدالت یکی از بارزترین و بنیانی ترین مختصات نظام سیاسی اسلامی است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۰۴). دو مذهب عمده جهان اسلام یعنی شیعه و تسنن، درباره عدالت به تفصیل نظریه پردازی کرده اند که ضمن پاره ای تمایزات جزئی، نظریه ها کم و بیش مشابه یکدیگرند. از نظر اهل سنت سیر تاریخ به سوی وضع آرمانی بوده است (عنایت، ۱۳۷۲: ۵۱). در نگاه شیعیان در عین دور شدن مسلمانان از عدالت مورد نظر پیامبر پس از ایشان به لحاظ نظری، ابعاد گوناگون این مسئله تعمیق یافته و به نگرش عقلانی و ماندگار تبدیل شده است (مطهری: ۵۴). کانون بحث ما در اینجا در باب عدالت در اسلام

نگرش شیعیان امامیه است، حتی با گرایش های اصلاح طلبانه و جدید که در جهان اسلام از اواسط قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری) در حال گسترش است. پس از پیامبر اسلام، امام علی (ع) به تبیین عقلی و برهانی دین همراه با تأیید و حیاتی عدالت پرداخت. آن حضرت نگاه ویژه ای به مفهوم عدالت داشت و آن را موجب ماندگاری خلق و نظام بخش حکومت می داند و با اوصافی هم چون فضیلت فرمانروا، برترین خصلت نیکو..... از آن یاد می کند. در روایات شیعه گاهی عدل به معنای تساوی بکار رفته است. عدل به دو قسم عدل ظاهری و عدل حقیقی تقسیم می شود. مقصود از عدالت ظاهری آن است که انسان ها به لحاظ انسانیت و انسان بودن هیچ تفاوتی با هم ندارند. در وجه دیگر عدل به مفهوم قرار دادن هر چیز در جای خود است (حکمت ۲۴ نهج البلاغه). در میان متفکران اسلامی نیز معلم دوم فارابی به اندیشه ورزی درباره عدالت پرداخته و مقصد خویش را از آن به خوبی تبیین کرده است. از نگاه او نیز یک مفهوم عدالت قرار دادن هر چیزی در جای صحیح و راستین خویش و مفهوم دیگر میانه روی اعتدال گرایی و پرهیز از افراط و تفریط است. دیگر فیلسوفان مسلمان چون ابن سینا و سهروردی نیز در همین راستا به تبیین عدالت پرداخته و راه او را ادامه داده اند و این وضعیت کم و بیش تا دوران ما ادامه دارد.

بخش سوم: مبانی فلسفی عدالت در مکاتب اسلامی

نظریه اسلامی عدالت مبتنی بر خیر و سعادت بشر و تعریفی ویژه از زندگی خوب، ماهیت و سرشت آدمی و غایات و اهداف حقیقی مشترک انسان هاست. از دیدگاه اسلام بین سعادت و عدالت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بدون عدالت اجتماعی سعادت جامعه تأمین نمی شود. سعادت کامل، در حال ارتباط انسان با خدا تحقق می یابد. اما یکی از مهم ترین عوامل و زمینه های ممکن سازی ارتباط انسان با خدا، اجرای عدالت است، از این رو، در بیان هدف از بعثت پیامبران اقامه قسط و نشر عدالت در میان مردم یاد گشته است. عدالت واژه ای است اجتماعی و برای توصیف حکومت یا نظام اجتماعی - فرهنگی می بایست استعمال شود. از دیدگاه اسلامی ثابت شده است که جامعه وجدان جمعی و هویت واحدی دارد که مانند یک پیکر است (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۱۹). می تواند نیازهای خودش را تشخیص دهد و اهدافش

را تعیین کند و اراده جمعی و تصمیم‌گیری داشته باشد. بنابراین، جامعه مسئول و متعهد در قبال خداوند و نسل‌های آتی است و از این جهت، مورد ستایش و سرزنش قرار می‌گیرد و پاداش و عقاب دارد. البته، این به معنای سلب مسئولیت و اختیار از افراد نمی‌شود، زیرا اصولاً تشکیل اجتماع از روی اختیار و عقل و البته به‌خاطر نیاز بوده است و لذا فرد می‌تواند هر وقت بخواهد از آن اجتماع کناره‌گیری کرده، هجرت کند. از همین جهت هم هست که جامعه با وجود مشابهِت‌های زیادی که با پیکر دارد، تفاوت‌هایی هم با آن دارد که منشأ اختلاف احکام بین این دو می‌شود. بنابراین، دیدگاه اسلام درباره جامعه هم اصالت فردی است و هم اصالت جمعی (همان: ۱۲۰)

بخش چهارم: مبنای حقوقی عدالت در اسلام

پرسش اساسی این است که آیا حق مبنای عدالت است و یا عدالت مبنای حق است؟ اگر حق مبنای عدالت باشد، در آن صورت، عدالت به معنای اعطای حق به حق‌دار یا استقامت در طریق احقاق حق و نهادینه کردن حقوق می‌شود؛ اما اگر عدالت مبنای حق باشد، در آن صورت، هر چه دست‌اندرکاران عدالت مصلحت بدانند و انجام دهند حق خواهد بود. به‌طور مثال، اشاعره می‌گویند آنچه خداوند فرمان می‌دهد و حکم می‌کند عین حق و عدل است، یا مانند آنچه که امروز گفته می‌شود که هر چه دولت قانونی و اراده و تصویب کند، همان عدل است (مطهری: ۸۴) یا اینکه هیچ یک از این دو مبنا بهره کامل از حقیقت را افاده نمی‌کنند و مبنای ترکیبی صحیح است. بنابراین، سه مبنای خردگرایی، اراده‌گرایی و اراده‌گرایی حکیمانه در این زمینه وجود دارند که فقط اراده‌گرایی حکیمانه به‌طور اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد. اندیشمندان عقل‌گرایی شیعه به ترکیبی از اراده‌گرایی و خردگرایی معتقد هستند. از نگرش عقلی اسلامی حق قانون‌گذاری فقط از آن خداوند است. در مرحله قبل از تشکیل حکومت یا در مرحله جامعه مدنی یا به تعبیر قرآنی مت واحده، مردم از حقوق طبیعی و فطری و از حق خلافت عمومی برخوردارند، اما از آنجا که به اختلاف و نزاع پرداختند و به یکدیگر ستم نموده، کفران نعمت کرده‌اند لذا خداوند انبیاء و اولیاء خود را به مثابه شاهدان و گواهان به سوی مردم ارسال کرد تا به شکر نعمت و عدل

برگشته و با تشکیل حکومت عدل قیام به قسط نموده و تقوا پیشه کنند تا به سعادت برسند (جهانیان، ۱۳۸۱: ۲۳۰). سند و منبع قانون الهی عقل، قرآن کریم و سنت اولیاء الهی است. احکام و قوانین الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی اند که برای عقل، امکان درک مصالح و مفاسد برخی از آنها و به ویژه غیرعبادات، وجود دارد. حتی در جایی که شرع خود به مصلحت و مفسده حکمی تصریح نکرده است، می توانیم مصلحت و مفسده مورد نظر شرع را درک کنیم. اما باب فهم و درک مصالح و مفاسد برخی دیگر به ویژه عبادات به روی ما بسته است و ما نهایتاً باید همیشه منتظر بیان خاصی از شرع باشیم (علیدوست، ۱۳۸۴: ۱۰). تشخیص مصالح و مفاسد احکام و قوانین بر عهده امام معصوم هر عصری است اما در عصر غیبت معصومین، نقشه فقیه جامع الشرایط پررنگ می شود. و می بایست به کشف اراده خداوند از میان دلایل عقلی و نقلی پردازد و آن را در اختیار جامعه اسلامی و حکومت اسلامی قرار دهد تا به عنوان قانون وضع شود. بنابراین، از یک سو تلاش می شود که قوانین کشور بر اساس مصالح و مفاسد واقعی تنظیم شود؛ از این جهت، خردگرایی حاکم می شود، اما از جهت دیگر، این قوانین به اراده فقیه که کاشف از اراده الهی است بستگی دارد و وضع می شود؛ لذا از این جهت مبنای حقوق و عدالت در دیدگاه اراده گرایی حاکم می شود (همان: ۱۱).

بخش پنجم: رابطه عدالت و حقوق

در رابطه عدالت و حقوق مشهور این است که دولتی پایدار می ماند که اقامه عدل کند و در رفتار خود با مردم جانب انصاف را رعایت کند. قاعده های را که مردم با عدالت و انصاف منطبق ندانند هیچ گاه به رغبت اجرا نمی کنند و برای فرار از این بی عدالتی به انواع وسایل دست می زنند. پس دولت برای حفظ نظام عمومی و ایجاد آرامش اجتماعی ناگزیر است که تا حد امکان قواعد حقوقی را با عدالتی که نزد مردم محترم است سازگار کند.

بخش ششم: جلوه گاه عدالت در معرفت شناسی اسلامی

مرووری کوتاه هر چند گذرا بر دو منبع اصلی حقوق اسلامی یعنی قرآن و سنت به خوبی بیانگر این واقعیت است که عدالت از واژگان کلیدی و پرکاربرد در متون شرعی محسوب می شود، عدالتی که بنیان تکوین و تشریع بر آن استوار بوده و تمامی شئون زندگانی مادی و معنوی بشر را احاطه کرده و جنبه های فردی و اجتماعی او را تحت تاثیر خویش قرار داده است. در نگاه یک فقیه تمامی ابعاد شریعت در تعامل کامل با یکدیگر هستند و از هم تاثیر پذیرفته و برهم تاثیر می گذارند، در نتیجه هنگامی که یک فقیه مفهوم عدالت در علوم اجتماعی نظیر حقوق را بیان می کند بدون شک متأثر از نوع تفکر و نگاهش به این مفهوم در حوزه هست ها و اخلاقیات خواهد بود. به عبارت دیگر مبانی معرفتی یک فقیه که از نوع نگاه وی به دو حوزه هست ها و اخلاقیات شکل می یابد بی شک در نحوه تبیین مفهوم و اصول حاکم بر عدالت در حوزه باید ها تاثیر گذار خواهد بود و این مطلب به مثابه قاعده ای است که در فهم هرچه درست تر مفهوم ارائه شده توسط یک فقیه از عدالت حقوقی می تواند یاری رساند (کریمی، ۱۳۹۴: ۱۸۲)

بخش هفتم: اصول عدالت در اسلام

بند اول: حاکمیت قانون الهی (حقوق طبیعی)

جامعه عادل و متعادل، جامعه ای است که قانون الهی بر آن حاکم باشد. افعال گاهی حسن و قبح ذاتی و عقلی دارند و گاهی حسن و قبح ذاتی و شرعی. یعنی، برخی افعال در همه زمان ها و مکان ها خوبند و عقل هم آن را تشخیص می دهد، مانند احسان به کسی که به تو احسان کرده و آزار نکردن کسی را که او از آزار تو خودداری کرده است. اما برخی افعال هم هستند که عقل، خوب بودن آنها را نمی تواند تشخیص دهد و این نقل است که می گوید فلان کار خوب است و فلان کار بد است، مانند حرمت ربا، تعیین دیه و ارش جنایت. البته، گاهی این افعال زمانی و مکانی هستند و قابلیت نسخ هم دارند (طباطبایی: ۳۳۰).

بند دوم: حاکمیت برابری

جامعه عادل و متعادل، جامعه‌ای است که قانون مساوات بر آن حکم فرماست، جامعه‌ای است که اولاً تبعیض در آن جایی ندارد، یعنی اجرای حدود الهی در حق خودی و بیگانه جریان دارد، ثانیاً حکم خدا در تمامی حالات و شئون نافذ است، یعنی حکم کردن از روی کتاب خدا در حالت خشنودی و خشم و ثالثاً امکانات عمومی به نحو مساوی برای همه فراهم است، یعنی تقسیم کردن عادلانه میان سفید و سیاه.

بند سوم: حاکمیت برادری

تحقق حقوق طبیعی و فطری، قانون الهی و برابری بدون روحیه برادری، ایثار و از خودگذشتگی امکان‌پذیر نیست و عدالت هم یعنی استقامت در طریق شرع و حق. هرچند عدالت به قانون خوب و حقوق عادلانه است، اما قانون عدل فقط بخش کوچکی از تحقق عدالت است، بخش عمده تحقق آن منوط به رفتار مردم و قدرتمندان است که متأثر از ایثار رهبران هستند. اگر بخشی از مردم یعنی روحانیان، مؤمنان و رهبران سیاسی و اخلاقی مردم به زهد عمل کنند و احسان و مواسات داشته باشند عدالت محقق می‌گردد (همان: ۳۳۴).

بخش هشتم: مبانی معرفتی عدالت در نزد امام خمینی

براساس یک تقسیم‌بندی کلی عدل الهی به عنوان صفتی برای افعال خداوند به سه دسته کلی عدل تکوینی (اعطای مواهب و نعمت‌ها)، عدل تشریعی (وضع و تشریع تکالیفی که سعادت و کمال انسان در گرو آن‌ها است)، عدل جزایی (تناسب میان اعمال نیک و بد و جزای آن‌ها) تقسیم‌بندی می‌شود. بطور کلی تفسیر معنای عدالت (حد وسط میان افراط و تفریط) در علم کلام هم چون روحی واحد بر تمامی اقسام عدل الهی سایه افکنده است عبارت است از (اعطا کل ذیح حق حقه) یعنی خداوند با هر موجودی آن چنان که شایسته است برخورد می‌کند و این همان تفسیر کلامی اعتدال در افعال الهی است (سعیدی

نگاهی اخلاقی و عرفانی به عدالت آن را مهم ترین فضایل روحی و درونی برشمرده است که حد وسط افراط و تفریط می باشد، از این رو بر این عقیده است که باید در تمامی فضایل ظاهری، روحی، قلبی و جسمی اعتدال به عنوان رعایت شود. ایشان عدالت به معنای مزبور را موجب ایجاد اعتدال در قوای نفسانی و سایر قوا دانسته که غایت آن رسیدن انسان از عبودیت به کمال است. بنابراین زمانی به کمال می رسیم که اعتدال (حد وسط افراط و تفریط) در ابعاد روحانی و معرفتی، عقیدتی و اخلاقی رعایت شود (خمینی، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

بخش نهم: عدالت در اندیشه اندیشوران مسلمان

به نظر می رسد با توجه به اینکه فقهای تفسیری که از اعتدال (حد وسط میان افراط و تفریط) در جنبه فردی ارائه می دهند متفاوت از تفسیری است که از اعتدال در جنبه اجتماعی ارائه داده اند و از آنجایی که بحث ما از عدالت مربوط به حقوق جنبه اجتماعی آن است که در روابط افراد جامعه با یکدیگر معنا می یابد بنابراین بهتر است ما به تفسیر عدالت از منظر اجتماعی - حقوقی اهتمام بیشتری ورزیم.

بند اول: اندیشه عدالت از منظر جنبه فردی در فقه اسلامی

عدالت از منظر فردی در فقه عموماً در ابوابی نظیر صلات، زکات، ولایت فقیه و... مطرح شده است. در تفسیر فردی از عدالت فقهای غالباً آن را به ملکه نفسانی که مانع از ارتکاب گناهان کبیره و تکرار گناهان صغیره شده و امور خلاف مروت و نیز مانع از ترک واجبات می شود تفسیر کرده اند (سبحانی، ۱۴۳۵: ۱۹۷). عباراتی که از نتایج فردی از عدالت که در استنباطات فقهی و حقوقی موثر است عبارتند از:

الف: وجود عدالت فردی یکی از شرایط مرجع تقلید و ولی فقیه بودن است

ب: عدالت فردی راوی یکی از شرایط مورد عمل قرار گرفتن روایت فقهی است

پ: عدالت فردی در وصایت، قضاوت، شهادت و... تاثیر گذار است.

بند دوم: اندیشه عدالت از منظر جنبه اجتماعی در فقه اسلامی

در اینجا به برخی از مهم ترین نظریاتی که توسط فقیهان امامیه در باب عدالت بیان شده اشاره خواهیم نمود، هر چند که به نظر می رسد هنوز تا نقطه عطف مطلوب فرسنگ ها فاصله داریم و نتوانسته ایم براساس مبانی اسلامی به تبیین در خوری از اصول حاکم بر عدالت دست یابیم و متأسفانه وقت خویش را به کلی گویی صرف کرده ایم:

۱. نظریه شهید مطهری

شهید مطهری مفهوم عدالت را به همان بیانی که مشهور حقوقدانان اسلامی بیان داشته اند می پذیرد و عمده ترین محور عدالت را دادن حق به صاحبان واقعی آن می داند اما می کوشد معیار عدالت یعنی ذی حق بودن را هر چه بیشتر تعیین نماید و از این رهگذر از ابهام و کلی بودن اندیشه عدالت بکاهد. مبنای معرفتی او نیز همانند سایر عدلیه در مقابل اشاعره بر عینی بودن مفهوم عدالت استوار است. وی مبنای عدالت را حق دانسته و منشا پیدایش حق را وجود رابطه غائی و رابطه فاعلی میان متعلق حق و صاحب حق می داند. (کریمی: ۲۰۹).

۲. نظریه شهید صدر

شهید صدر سعی نموده است نظریه خاصی براساس مبانی اصیل اسلامی در زمینه عدالت اجتماعی - اقتصادی ارائه دهد. اگر چه این نظریه ارتباط کاملاً مستقیمی با بحث عدالت اجتماعی مورد بحث ما ندارد اما با وجود این چون این متفکر در زمینه عدالت اجتماعی و نحوه ایجاد توازن و تعادل در جامعه سخن گفته است، می توان از نوع نگرش وی نسبت به جامعه و تحقق عدالت اجتماعی در آن الگو گرفته و در زمینه عدالت حقوقی که شاخه ای مهم از عدالت اجتماعی محسوب می شود بکار گرفت. وی سعی می کند راه کارها و آموزه های اسلام برای تحقق عدالت اجتماعی اقتصادی را بیان کند تا از رهگذر عمل به آن ها عدالت اقتصادی در جامعه تحقق یابد (حق خواه، ۱۳۸۵: ۷). از نگاه شهید صدر عدالت

اقتصادی را عبارت از رفاه عمومی و ایجاد تعادل و توازن در ثروت و درآمد می داند. در 11 |
طرح نظام عادلانه اقتصادی وی که بر پایه آیات و روایات شکل گرفته برای تحقق عدالت

اقتصادی در جامعه باید از دو راه بهره برد: یکی تامین اجتماعی (ضمان اجتماعی) و دوم توازن اجتماعی است.

بخش دهم: جایگاه عدالت در اندیشه مکاتب اسلامی

تقریباً با مطالعه در تمامی اندیشه های اسلامی جایگاه عدالت در موارد زیر قابل دفاع می باشد، به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

بند اول: جایگاه عدالت از اصول دین

بی شک عدالت در اندیشه اسلامی جایگاه والا و ویژه دارد. یکی از صفات بارز خداوند متعال عدالت او است که با تعبیر مختلف در قرآن کریم و سایر متون دینی بدان تصریح شده است. برای نمونه در برخی آیات ساحت قدس ربوبی از ظلم و ستم منزّه اعلام شده و فرموده است: خداوند به هیچ وجه به مردم ستم نمی کند بلکه این مردم اند که به خویشتن ستم می کنند (سوره یونس ایه ۴۴). در سوره آل عمران آیه ۱۸ فرشتگان و صاحبان علم از گواهی خداوند بر عدالت خداوندی خبر می دهند. از همین رو اعتقاد به عدل الهی از اصول دین و مذهب بشمار می رود (مطهری: ۶۲).

بند دوم: عدالت و هدف رسالت

در اینجا عدالت از یک سو به مفهوم فلسفی آن مبنای معاد است، چرا که آیاتی از قرآن قسط را فلسفه معاد معرفی می کند (سوره انبیا آیه ۴۷ و سوره یونس، ایه ۴). از سوی دیگر آیاتی از قرآن عدالت به مفهوم عدالت اجتماعی را هدف بعثت ها و نبوت ها معرفی کرده است (سوره حدید آیه ۲۵).

بخش یازدهم: عدالت حقوقی در مکتب اسلامی

بند اول: عدالت یابی از طریق شریعت گرایی

حقوقدانان عدالت جوی مسلمان در تکاپوی خویش برای دستیابی به قانون عادلانه و اقناع وجدان خود منطقا در یک وحی گرایی معتدلانه و عالمانه و به دور از جهل و جمود و افراط و تفریط در پی دستیابی علمی و روشمند به حقیقت وحی است (مطهری: ۸۵). و به جای آنکه با معیار عدالت مبهمه و تعریف ناشده در پی کشف حکم الهی باشد، از راه دستیابی به قوانین خداوندی به قانون عادلانه راه می یابد حتی اگر وجه عادلانه بودن آن را در نیابد. راهیابی به عدالت از راه دستیابی به قانون خداوندی از نگاه حقوقدانان مسلمان از آن جهت است که او قانون خداوندی را منطبق و مبتنی بر عدالت حقیقی می داند و آن را نشانه عدالت بلکه عدالت مجسم می انگارد. از دیدگاه اسلام اگر چه در مقام ثبوت عدالت مقدم بر قانون است اما در مقام اثبات مطمئن ترین راه دستیابی به عدالت، آنجا که قانون و حیاتی وجود داشته باشد دستیابی به حقیقت وحی است که عین عدالت است (همان: ۸۶).

بند دوم: تعیین جایگاه اصل عدالت در استنباط احکام اسلامی و وضع قوانین

بی تردید دستورات فراوان و موکد قرآن بر عدالت ورزی در قلمرو قضاوت، دستوری کلی مبهم و بدون ارائه ضابطه عدالت نیست. ضابطه عدالت احکام و قوانین الهی است که منطبق بر عدالت حقیقی است، پس استناد به هر ضابطه دیگری جز حکم خداوند آنجا که چنین حکمی وجود داشته باشد نتیجه ای جز خروج از جاده عدالت و افتادن در دام ستم ندارد (سوره مائده آیه ۴۴). بی گمان توجه به عدالت در وضع و جهل احکام حکومتی و احکام ثانویه یک اصل مسلم و ضروری است چرا که مهم ترین هدف بعثت ها و نبوت ها پس از گسترش توحید، اقامه قسط و عدل است. هم چنان که در هنگامه استنباط احکام و مواجه شدن با چند دلیل، قول و یا احتمالی که هیچکدام ترجیحی بر دیگری ندارند. توجه به عدالت و عادلانه تر بودن یکی از آنها سبب ترجیح و گزینش آن می شود اما در مورد

استنباط احکام اولیه به نظر می رسد که نه تنها جای استناد به اصل عدالت نیست بلکه منطقی چنین استنادی ممنوع است.

بخش دوازدهم: تبیین نظریه عینی و واقعی بودن عدالت در اسلام

مفهوم عدالت در مکاتب اسلامی بیشتر یا به عنوان وصف جهان خلقت توسط فیلسوفان و یا به عنوان صفتی از صفات خداوند توسط دانشمندان علم کلام و نیز به عنوان فضیلت و کمالی نفسانی توسط دانشمندان علم اخلاق و عرفان مورد بررسی قرار گرفته است و علما کمتر به این مسئله پرداخته اند، چرا که عقیده آنها بر این است که قانونگذار در شریعت اسلام خداوند است و بنابراین چون از وی صدور قوانین ظالمانه قبیح و محال است، بنابراین قوانین شریعت که بیانگر حقوق و تکالیف افراد است عین عدالتند (دانش پژوه: ۱۱۰۲ الی ۱۰۴). تاملی در فلسفه علم فقه به خوبی بیانگر این حقیقت است که مسئله حسن عدل و قبح ظلم از مهم ترین و شاخص ترین مبانی علم فقه محسوب می شود (ضیایی فر، ۱۳۹۲: ۲۶۱). عدل الهی با حکمت الهی ارتباطی تنگاتنگ دارد زیرا حکمت به معنای اجتناب از هر گونه فعل قبیح یا عبث است و از آنجایی که عدم عدالت ورزی و ارتکاب ظلم از جانب خداوند امری قبیح و زشت محسوب می شود منافات با حکمت الهی دارد.

نتیجه گیری

با مطالعه اندیشه عدالت در آموزه های اسلامی، نشان از تقدس والای آن دارد چرا که عدالت براساس خلقت بوده و جز مقاصد شریعت و اهداف اولیه شارع محسوب می شود. توصیه و تاکید فراوان آیات و روایات در زمینه اهتمام، فهم و اجرای این اندیشه ژرف و تاثیر گذار در ارکان تکوین و تشریع خود گواهی صادق بر مدعای ماست. عدالت مفهومی پیچیده و بسیار انعطاف پذیر دارد و برخلاف نظر برخی فقیهان معاصر وضوح چندانی ندارد. گو اینکه ابهام و پیچیدگی جز ذاتی جدایی ناپذیر عدالت است، همین عامل موجب ارائه تفسیرهای مختلف از این مفهوم شده و هرکسی از ظن خود یار عدالت شده است. لیکن با وجود تفسیرهای مختلف، به نظر می رسد روح حاکم بر تمامی تفاسیر مربوط به عدالت در تمامی

شاخه های مرتبط با آن یکسان باشد و آن رعایت اعتدال و تناسب و به تعبیر دقیق تر حد وسط میان افراط و تفریط است. بنابراین در این که عدالت، مطلوب ذاتی و هدف حقوق اسلامی و نیز معیار ارزیابی و مشروعیت قوانین حقوقی است، عملاً اختلافی وجود ندارد، همه اختلاف به مفهوم عدالت و چِستی قانون عادلانه باز می گردد. از نظرگاه اسلام، همه دستورات خداوند، پیامبر(ص) و معصومین(ع)، از جمله در قلمرو حقوق، مبتنی بر واقعیت و تعقیب کننده عدالت اند پس در این زمینه، با فرض روشن بودن حکم شرعی، قانون عادلانه در دسترس است و علی القاعده از جهت دستیابی به قانون عادلانه، نیازی به بحث از مفهوم عدالت نیست بلکه حقوق دان عدالت جوی مسلمان تلاش می کند از طریق کشف حقیقت وحی و دستیابی به قوانین الهی، به قوانین واقعاً عادلانه راه یابد. اما در زمینه قوانینی که توسط دولت اسلامی وضع می شود کاملاً به این بحث احتیاج است تا در پرتو شناخت عدالت بتوان، قوانینی عادلانه، که مورد قبول خداوند باشد، وضع کرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت، دارالمکتب العلمیه، جلد اول.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۲، مفردات الفاظ القرآن، تهران، مرتضوی، جلد اول.
۳. طوسی، محمد بن حسین، ۱۴۱۳، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات الامیره، جلد اول.
۴. محقق اردبیلی، احمد، ۱۴۱۸، مجمع الفائده و البرهان، قم، نشر اسلامی، جلد اول.
۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، عدل الهی، تهران، نشر اسلامی، جلد اول.
۶. نجفی، محمد حسن، ۱۴۲۹، جواهر الکلام، قم، نشر اسلامی، جلد اول.
۷. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸، فلسفه حقوق، تهران، انتشارات سهامی انتشار، جلد اول.
۸. خوری شرتونی، سعید، ۱۳۷۴، اقرب الموارد، تهران، دارالاسوه للطابعه و النشر، جلد اول.
۹. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۸۶، المیزان فی التفسیر القرآن، قم، نشر اسلامی، جلد اول.
۱۰. کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۶، تاریخ فلسفه، مترجم: سید جلال الدین مجتبوی، تران، نشر علمی و فرهنگی، جلد اول.
۱۱. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۸، آموزش عقاید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، جلد اول.
۱۲. سبحانی، جعفر، ۱۴۳۵، محاضرات فی الالهیات، قم، موسسه امام صادق، جلد اول.
۱۳. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، درامدی بر حقوق اسلامی، تهران، سمت، جلد اول.
۱۴. جانستون، دیوید، ۱۳۹۰، فلسفه حقوق (مفهوم عدالت)، تهران، راه نوین، جلد اول.
۱۵. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳، المصباح منیر، قم، دارالهجره، جلد اول.

۱۶. زحیلی، وهبه، ۱۳۸۸، نظریه ضرورت در فقه اسلامی، مترجم: حسین صابری، قم، انتشارات بوستان، جلد اول

۱۷. سبحانی، جعفر، ۱۴۳۵، الايضاحات السنیه للقواعد الفقهیه، قم، موسسه امام صادق، جلد اول

۱۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۲، مصباح الفقاهه، بیروت، دارالمهدی، جلد اول

۱۹. جهانیان، ناصر، ۱۳۸۱، دولت در اقتصاد از دیدگاه شهید صدر، تهران، امیر کبیر، جلد اول

مقالات:

۱: دانش پژوه، مصطفی، ۱۳۸۶، تاملی در رابطه حقوق و عدالت با تاکید بر حقوق اسلام، مجله معارف اسلامی، شماره دوم

۲. سجادی، سید عبدالقیوم، ۱۳۸۰، جایگاه عدالت در اندیشه سیاسی محقق نراقی، مجله علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳

۳. مولانا، حمید، ۱۳۸۰، ابعاد اجتماعی عدالت از دیدگاه امام علی (ع)، تهران، کنگره بین المللی امام علی

مرکز آموزش ملی-کاربردی
سازمان همیاری شهرداری های
متنوع

بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند
با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان

همایش ملی

علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

Sponsored And Indexed
T P BIN.com

همایش های ایران
symposia

CONF
PAPER

کنفرانس های
پایگاه های نمایه کننده مقالات

مجموعه مجلات علمی-کاربردی

دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

محور های همایش:
پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی، علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی، علوم اجتماعی، فرهنگ هنر (تمام گرایش ها)، ازبانات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸

اصفهان سالن اجلاس دانشگاه

ارکان کلیدی همایش
دبیر اجرایی همایش:
دکتر امین امیریان فارسانی
رئیس هیات داوران:
دکتر سعید سامانی مجد
رئیس شورای سیاست گذاری:
دکتر سعید خردمندی

جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار
کافیست فایل word مقاله خود را به همراه
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید
phdsara@yahoo.com
ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره
09100636002
همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ مشیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

www.olomensani.IR